

هرگز بگوش عوام نرسیده ولی اشعار آن اساتید طبیعی سخن در
هر مجلس و محفل تاقیامت آویزه گوش هوش خاص و عام و گوهر
رشته زبانها خواهد بود .

این بود فکر تازه در بیان سبب دلپذیر بودن یا نبودن شعر
و اصطلاح جدید ما در شعر طبیعی و مصنوعی .

وحید

«(يك مکتوب ادبی)»

از دماوند ۴ جوزا ۱۳۰۲

استاد عزیزم شماره اول سال چهارم ارمغان را از طهران
امروز برای من فرستاده اند و خیلی از زیارت آن مشعوف شدم
با آن همه مشکلات که از نزدیک میدیدم هیچ گمان نمیکردم به
نشر این شماره موفق شوید و انتظار داشتم ارمغان هم مثل سایر
مجلات باک دامن و نشریات ادبی تعطیل شود . چه کنم محیط مرا
بدین کرده است ولی اینک می بینم تنها شما هستید که مشکلات را
هم کوچک بشمارید و واقعاً بر این همت بزرگ و فداکاری شما تبریک
میگویم و توفیق دائمی شمارا در این خدمت مقدس آرزو دارم از
قسمتهای این شماره صفحه ۳۳ بیشتر توجه مرا جلب کرد . احبای
اشعار دیوان حکیم نظامی خدمت بزرگی به ادبیات ایران است و این
خدمت هم البته بدست شما باید صورت بگیرد چه بقول فرخی .

قدر سخن را سخن شناس شناسد اهل ادب را ادیب داند مقدار
 من هم خیلی علاقه به اشعار نظامی دارم و از همان ساعتی که
 شنیدم این حکیم بزرگ ایران تصاید و غزایات داشته است در تفحص
 اشعار گم شده وی برآمدم متأسفانه نسخه دیوان او بدست نیامد
 ولی از تذکرها و جنک های مختلفه يك مقدار اشعار او را بهرور
 زمان و در نتیجه چهار سال کاوش پیدا کردم و مجموعه حاصل
 شده است که گویا قریب چهار صد و شانزده بیت باشد و آن مجموعه هم
 بخط خود من در طهران موجود است نوشتم که عیناً همان نسخه
 را بحضور محترم شما بفرستند و از روی آن در صحایف ارمغان
 نقل کنید .

ولی چون نسخه منحصر است و عجزاً نعمت باز یافتی است
 تمنا دارم مقرر دارید پس از استنساخ نسخه را مسترد دارند ولی
 در باب تفرزی که در این شماره ارمغان در صفحه ۳۶ از مجمع الفصحا
 باسم نظامی نقل کرده اید ایراد دارم زیرا که این تغزل در تذکره الشعرای
 دولتشاه سمرقندی باسم شاهفور شهری نیشابوری شاگرد ظهیرالدین
 فاریابی و مؤلف رساله شاهفوریه در استیفا که از شعرای قرن هفتم
 و معاصر با سلطان محمدابن علاالدین تکش خوارزم شاه بوده است
 ثبت شده و چون من دولتشاه را موثق تر از مؤلف مجمع الفصحا
 میدانم عقیده ندارم که این تغزل از اشعار حکیم نظامی باشد .
 در تذکره دولنشاهی هم چند بیت ازین تغزل هست که در

مجمع الفصحاح نیست چون فعلا هیچ کتاب همراه ندارم نمی توانم به تذکره دولتشاهی رجوع کنم و بقیه اشعار این تغزل را بنویسم فقط این چند شعر را که از همان تغزل در خاطر دارم می نویسم و البته رجوع خواهید فرمود و در آنجا بقیه اشعار را پیدا خواهید کرد. اینست ایاتی که در خاطر من است ولی در ارمغان درج نشده بود :

نظم بروین خوب تر یادر و یادندان تو

قامت تو راستر یا سرو یا گفتار من

وصل تو دلجوی تر یا شعرهای نغز من

هجر تو دلسوزتر یا ناله های زار من

وعده تو گوژ تر یا پشت من یا ابرویت

قول تو بی اصل تر یا باد یابندار من

چشم تو خونریز تر یا چرخ یا شمشیر شادان زنگی

بازار تو میزبان تو یا تیغ یا بازار من

درخاتمه هم بنظرم آمد که این تغزل را در جای دیگر نیز

باسم شاهفور دیده ام و حتی بیت دوم از ایات فوق آنجا در مقابل

آخر ثبت شده و این شکل مسطور گردیده است .

وصل تو دلجوی تر یا شعرهای شاهفور .

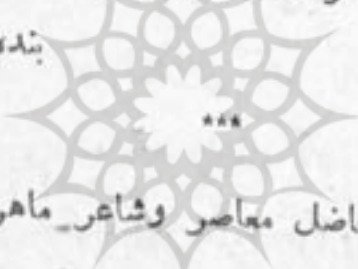
و این هم چندان به تحریف و تصرف نمی ماند و میتوان قبول

کرد که شاعر تخلص خویش را هم در این تغزل آورده است :

در هر صورت در این گوشه روستا بد بختانه از همه چیز آواره و حتی چند جلد کتاب هم در دسترس ندارم که با استقصای کامل این سطور را عرض کنم شما از من سعادتمند تر هستید که اقلاً در شهر زندگی می کنید و می توانید در این موضوع به کتب رجوع فرمائید .

راستی از اعضای انجمن ادبی بهیچوجه خبر ندارم نمیدانم همکاران محترم من در این مدت کار برجسته کرده اند یا خیر در هر صورت استدعا دارم از تبلیغ سلام خالصانه من نسبت به دوستان ادبی و همکاران محترم خود داری قهرمائید .

بنده شما (سعید نقیسی)



مکتوب فوق را فاضل معاصر و شاعر ماهر آقای سعید نقیسی عضو محترم انجمن ادبی ایران در موقع مسافرت و ماموریت از طرف وزارت فواید عامه بدماوند بنگارنده ارمغان نگاشته و چون حاوی بريك سلسله مطالب ادبی سودمند بود عیناً درج گردید .

چنانچه فاضل معاصر مرقوم فرموده اند تغزل مزبور در تذکره دولتشاه باسم شاهفور ضبط شده و تصدیق داریم که اقرب بواقع و حقیقت است .

مجموعه که از اشعار نظامی اشاره به ضبط آن کرده بودند

نیز با اداره ارمغان واصل گردید .

در حقیقت بار زحمت بزرگی را فاضل محترم از دوش ما برداشتند و آنچه را بایستی در مدت یکسال و دو سال با زحمت تحصیل کنیم حاضر و آماده برای ما ارسال فرموده‌اند . آری علت مبقیه اشعار رائقه و ادبیات فائقه اساتید سخن وجود اینگونه ادبای دانشمندانست که همواره اوقات خویش را صرف اینگونه خدمات کرده و آثار گرامی اساتید را در هر دوره از دستبرد حوادث مصون داشته‌اند .

از جمله آثار فاضل معاصر ما آقای سعید نقیسی تذکره جامع و کتاب مسبوطی است که در شرح حال شعرای فارسی زبان و تاریخ شعر و ادب تالیف کرده و مثل نویسندگان ماهر اروپائی بشرح حال و دقائق احوالات شعرای سلف و خلف پرداخته‌اند و اینک آن کتاب قریب‌الانتمام است آری اگر محیط جهل برور ادب کش از اتمثال اینگونه ادبای جوان فکر قدر شناسی و استفاده می‌کردند ادبیات ما تا این پایه پستی و این مایه سخافت تنزل نمی‌گذاختند و اولی چه باید کرد تا محتشم السلطنه ها . در این مملکت وجود دارند و زمامداری علم و ادب را وسیله پیشرفت اغراض جاهلانه قرار میدهند باید نقیسی ها در بیابانها سرگردان باشند یعنی هنرمندان باید بمیرند و بی هنران جای آنان را بگیرند .

یکی دیگر از دوستان ادب ما بما وعده میدهد که دیوان اشعار غزل و قصاید نظامی را در اصفهان موجود دارد و باداره ارمغان خواهد فرستاد

ولی این مسئله از بس غریب بنظر میرسد هنوز جرات ندارم که نام آن دوست را ببرم و هرگاه چنین کتابی پیدا شود باید ادبای ایران جشن ها گرفته و پیدا کننده را بنام نامی . حکیم نظامی تقدیس و تقدیر وستایش کنند .

باری اینک از این شماره بتدریج اشعاری را که آقای نفیسی جمع فرموده‌اند بطبع و نشر میردازیم و امید داریم آن کتابی که دوست دیگر ما وعده میدهد عنقریب بما برسد و عالم شعر و ادب رونقی تازه پیدا کند .

(وحید)

«(اشعار حکیم نظامی)»

پوشگاه نشر اشعار و مطالعات فرهنگی
(قطعه)

رسال جامع علوم انسانی

جوانی بر سر کوچ است در باب این جوانی را
که شهری باز کی بیند غریب کاروانی را
بهرزه میدهی بر باد عمر جاودان کز وی
بهاصل میتوان کردن حیات جاودانی را
بجان نخریده جان را از آن قدرش نمیدانی
که هندو قدر نشناسد متاع رایگانی را
اگر تو شادمان باشی چه معزولی رسد غم را
وگر خود را کشی در غم چه نقصان شادمانی را